

حلقه یک دام برای تغییر نرم نظام

تاریخچه جریان حلقه کیان

محرم امیرمنش



اشاره

انقلاب اسلامی ایران از ابتدا تا امروز با جریان‌های بسیاری مواجه شده است که گاهی موجودیت انقلاب را هدف قرار داده بودند؛ تا جایی که بعضی قصد به وجود آوردن نوعی پلورالیسم دینی را داشتند و یا خط انحراف انقلاب از دین به سکولار را دنبال می‌کردند. حلقه کیان از جریان‌های مدل دوم بود که جولانگاه مخالفین و معاندین نظام و در بعضی مواقع افراد فریب خورده‌ای بود که نقش پیاده نظام را در این بازی ایفا می‌کردند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، قصد نفوذ نرم و شبیخون فرهنگی را داشتند.

اشخاصی که پایه‌گذار مجله کیان بودند کار خود را با کیهان فرهنگی آغاز کردند. کیهان فرهنگی، پدر و مادر مجله کیان بود و به تعبیر پدر روشنفکر مجله، دکتر سروش، این مجله راهی به سوی عقلانیت دینی گشود.

بودند. مقالات دیگر دکتر سروش به اسم «قبض و بسط شریعت» در حلقه کیان منتشر می‌شد که بحث و جدل متعددی را برمی‌انگیخت. کوشش دکتر سروش این بود که بر اساس مبانی معرفت‌شناختی لیبرالی، نسبی‌گرایی و پلورالیسم، فهم دین را فهمی تاریخی معرفی کند و با ایجاد تردید در قداست علوم دینی و روایات فقهی، آن‌ها را به عنوان بخش‌هایی از علوم انسانی قلمداد نماید. علاوه بر دکتر سروش، افراد دیگری از جمله مجید محمدی، مرتضی مردی‌ها و حمید وحید با گرایشات سکولاریستی با این مجله همکاری و ارتباط داشتند. طبق نظر دکتر سروش، حلقه کیان دو نوع حلقه بود؛ حلقه عام که شامل همه خوانندگان مجله کیان می‌شد و این در حالی بود که تیراژ مجله کیان بیش از ۲۰ هزار نسخه بود (این آمار طبق آخرین نسخه مجله کیان به دست آمد)؛^۳ اما حلقه خاص کیان را افرادی تشکیل می‌دادند که مستقیماً در داخل مؤسسه کیان کار می‌کردند، اعم از سردبیر، هیأت مدیره و پاره‌ای از نویسندگان مجله. یکی دیگر از اصحاب کیان؛ اکبر گنجی بود که در حال حاضر به خارج پناهنده شده است و طبق گفته دکتر سروش، گنجی گاهی مصاحبه‌هایی با او انجام می‌داد و آن را چاپ می‌کرد و با همراه با دکتر سروش سفری به قم داشته و مناظره‌ای طولانی با آقای جوادی آملی داشته، آن را چاپ کرده است. افراد دیگری که در حلقه کیان شرکت می‌کردند عبارت بودند از: آقای حجاریان، آرمین، آرش نراقی،

جامعه بیمار و آفت زده باید سعی کند مرض را شناسایی و با آن مبارزه کند. نیمی از راه درمان با شناخت جریان‌های بیمار طی می‌شود. جریان‌شناسی صحیح در تشخیص درست و درمان مشکلات، موضع‌گیری‌ها و عملکردهای سازنده نقش بسزایی دارد. شناخت جریان‌های سیاسی و آشنایی با عملکرد آن‌ها می‌تواند مانند چراغی در تاریکی‌ها و شبهات سیاسی در جامعه باشد که مسیر حرکت به سوی هدف متعالی را روشن می‌کند و موجبات تشخیص سره از ناسره می‌شود.

یکی از جریان‌های به اصطلاح روشنفکری در دهه دوم انقلاب به وجود آمد که به حلقه کیان معروف است. کیان نام مجله‌ای بود که طرز فکر این قشر به اصطلاح روشنفکر در آن دیده می‌شود. اما تاریخچه این جریان: اشخاصی که پایه‌گذار مجله کیان بودند کار خود را با کیهان فرهنگی، پدر و مادر مجله کیان بود و به تعبیر پدر روشنفکر مجله، دکتر سروش، این مجله راهی به سوی عقلانیت دینی گشود.^۱ افرادی که کیهان فرهنگی را راه‌اندازی کردند، آقایان رخ صفت، تهرانی و شمس بودند^۲ بعد از انقلاب با دکتر سروش آشنا شدند. دکتر سروش قبل از انقلاب در انگلستان مشغول فراگیری روشنفکری و نحوه اجرای آن در ممالک مسلمان بود. یکی از مباحث مهم که در کیهان فرهنگی منتشر می‌شد مقاله‌های دین‌شناسانه دکتر سروش به اسم «آیا فقه ممکن است» بود. نظر دکتر روشنفکر این بود که فقه یا دنیوی دنیوی است و یا اخروی اخروی و فقهی که جامع مصالح دنیا و آخرت باشد، ممکن نیست؛ به قول دکتر سروش این بحث هم در درون حلقه پیگیری می‌شد که از جمله آقایان روحانی حاضر در آن بحث، آقای کدیور و مجتبی بشیری

ابراهیم سلطانی، محسن سازگارا(که به لندن پناهنده شده و در شبکه خبری بی بی پرشین مشغول دروغ پردازی علیه نظام است) حسین قاضیان، ناصر هادیان، مصطفی تاجزاده و ... مطالب اکثر این افراد در کیان چاپ می شد و ارتباط نزدیکی با دکتر

مباحث حکومتی و جداسازی دین از عرصه سیاست(به نحو خاص) و جداسازی دین از عصر زندگی(به نحو عام) را دنبال می کرد

سروش داشتند. جالب این که آقای حجاریان که زمانی معاون طرح و برنامه ریزی وزارت اطلاعات بود، به اسم جهانگیر صالح پور در کیان مقاله می نوشت و آقای گنجی نیز مقالاتش را به نام مستعار حمید پایدار چاپ می کرد. هر چند حلقه کیان و مجله کیان از ابتدا مباحث حکومتی و جداسازی دین از عرصه سیاست(به نحو خاص) و جداسازی دین از عصر زندگی(به نحو عام) را دنبال می کرد، ولی صاحبان مجله ادعا دارند که کیان از سال ۷۶(ابتدای ریاست جمهوری خاتمی) به بعد سیاسی شد و این سیاسی شدن به

ضرر آنان و حلقه کیان تمام شد. از آنجایی که مباحث حلقه کیان و بروز جریان فکری آن ها ابتدا در فضایی تدریجی و آرام تحقق پیدا کرد و نیز به دلیل این که جریان استحاله، بر مراکز مهم نظام سلطه نداشت، حساسیت چندانی نسبت به آن برانگیخته نشد. شاید به مخیله کسی خطور نمی کرد کسانی که روزگاری خود پرچمدار انحصاری دفاع از خط امام^۳ و مبارزه با آمریکا و حمایت از مستضعفان بودند و تمام رقبای سیاسی و سلیقه ای خود را با برچسب آمریکایی از صحنه بیرون می کردند، چند سال بعد چنان دچار دگردیسی و تطوری شوند که در یک حرکت پاندولی و درست در نقطه مقابل دیدگاه ها و نقطه نظرات انقلابی سابق قرار گیرند.

بعد از دوم خرداد ۷۶ و پیروزی ای که در انتخابات نصیب اصلاح طلبان شد، تربیت شدگان کارگاه روشنفکری دینی و نوگرایی دینی در ابتدا گرداننده روزنامه های زنجیره ای شدند. شمس الواعظین که سردبیر مجله کیان بود، بعد از دهم خرداد، سردبیری چهار روزنامه توس، جامعه، نشاط و عصر آزادگان را نیز بر عهده گرفت و رضا کیان، مدیر مسئول کیان نیز گرداننده روزنامه صبح امروز شد. حلقه کیان پس از دوم خرداد به مثابه یک سایه موازی بر جنبش اصلاح طلبی در پیشبرد برنامه های آنان عمل کرد و بخش عمده ای از اقتدار روزنامه ای، روشنفکری و حتی تشکیلاتی اصلاح طلبان از آن حلقه جدیدی از روشنفکران دینی بود که روزهای چهارشنبه در دفتر کیان شکل می گرفت.^۴

طی سال های اخیر، عمده روزنامه های تأثیرگذار جنبش اصلاح طلبی، همچون جامعه، توس، نشاط، عصر آزادگان، صبح امروز، خرداد، فتح و ... و نیز هفته نامه هایی چون بهمین(به صاحب امتیازی عطاء الله

مهاجرانی) بهار و راه نو(به صاحب امتیازی اکبر گنجی) توسط اعضای این حلقه هدایت شده است. این افراد به همراه دیگر دوستان خود و طیفی از سکولارهای لیبرال در آغاز بر تجدید نظرطلبی علیه نظام در مطبوعات دامن زدند و پس از آن با رخنه به مجلس ششم در مرحله عمل سیاسی به فکر اصلاح طلبی در نظام و تغییر آرام نظام جمهوری اسلامی افتادند. همچنین اصحاب حلقه کیان به مرور زمان از مواضع اصولی و دینی نظام جمهوری اسلامی فاصله گرفته با شعار توسعه سیاسی و پیوستن به نظام جهانی، به سوی تمدن و تفکر غربی و لیبرالی حرکت کردند. دکتر سروش در جواب این سؤال که «آیا دوستانش در محفل کیان با برنامه و طرح قبلی از فضای عمومی انقلاب

بعد از دوم خرداد ۷۶ و پیروزی ای که در انتخابات نصیب اصلاح طلبان شد، تربیت شدگان کارگاه روشنفکری دینی و نوگرایی دینی در ابتدا گرداننده روزنامه های زنجیره ای شدند

فاصله گرفته اند و به تأسیس جنبش خاصی اقدام کرده اند» می گوید: «برنامه ریزی و طرح قبلی در کار نبوده، بلکه به مرور زمان فضا و زمان مناسب این جریان، مخاطب و مشتری پیدا کرده بود.»^۵ بیشتر تخصص خود سروش به عنوان پدر و استاد معنوی محفل کیان در ترجمه و انتقال مفاهیم غربی با رنگ و لعاب اشعار مولوی و تفکر غزالی بود

در اواسط دهه هفتاد، حلقه کیان فراخ تر شد و افراد دیگری از شهرهای مختلف، جنبش های دانشجویی و ... به این حلقه پیوستند که تعداد آنان به هزار نفر

حلقه کیان دو نوع حلقه بود؛ حلقه عام که شامل همه خوانندگان مجله کیان می‌شد اما حلقه خاص کیان را افرادی تشکیل می‌دادند که مستقیماً در داخل موسسه کیان کار می‌کردند.



رسید. محمد قوچانی، افراد حلقه کیان را کسانی می‌داند که ۲۷ تیر ماه ۷۴ در اعتراض به تهدید دکتر سروش نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی نوشتند.^۶ این همان ایجاد جنبش و خط فکری خاصی است که با رشد و فعال‌تر شدن در موقع مناسب، می‌تواند حکومت و نظام را به چالش بکشانند و شاید همان نافرمانی مدنی‌ای باشد که آقای دیوید ثورث (۱۹۳۰) در آمریکا به فکر ایجاد آن بود؛ و این یعنی همان تغییر آرام انقلاب‌ها از درون و براندازی به اصطلاح نرم آن که کشورهای استعمارگر در صد آن هستند و نمونه‌اش را در کشورهای دیگر دیده‌ایم؛ از جمله شوروی سابق و گرجستان امروزی. سرانجام عمر این محفل به اصطلاح روشنفکری به سر آمد

و ...
بعد از بسته شدن حلقه کیان، برادر سیدمحمد خاتمی (محمدرضا) نشریه‌ای به اسم آئین انتشار داد و افراد شرکت کننده در آن نشریه که جلساتشان به صورت هفتگی برگزار می‌شد، عبارت بودند از: محسن کدیور، فاضل میبدی، محمد شریعتی، خلیل اردکانی، حجازیان و خانیکی که انتشار این مجله نیز چند صباحی بیشتر ادامه نداشت.

و اما این مقاله را با یکی از توصیه‌های امام خمینی علیه السلام به روشنفکران به پایان می‌برم: «من خواهش می‌کنم از این آقایان، از اینهایی که یا روشنفکرند و یا خودشان را به روشنفکری زده‌اند که این قدر با سرنوشت یک ملت بازی نکنند. مملکتشان ابتلای به هزار جور مصیبت دارد و مواجه با قدرت بزرگی مثل آمریکا است...^۷ ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم، لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرق به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. این‌ها برپادارندگان سلطه ابرقدرت‌ها هستند و سرسپردگانی می‌باشند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند و هم اکنون با تمام ورشکستگی‌ها دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی و شکستن سد عظیم الهی برنمی‌دارند.»^۸

پی‌نوشت‌ها:

۱. گفت‌وگوی رضا خجسته رحیمی با عبدالکریم سروش.
۲. گفت‌وگوی عبدالکریم سروش.
۳. همان.
۴. سایت‌های مرتبط اینترنتی.
۵. عبدالکریم سروش، انقلاب اسلامی، فقه و روشنفکری دینی، نشریه نامه، ش ۲۹، بهمن ۱۳۸۲.
۶. محمد قوچانی، مطبوعات سیاسی از ۵۷ تا ۸۰، روزنامه ایران، ش ۲۱۳۶، سال هشتم، دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۸۱.
۷. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۷۲.
۸. همان، ج ۵، ص ۱۴۴.